

جار و مجرور و نون وقایه

درس لا عربی دهم مشترک - درس اا عربی دهم انسانی

جاءَ: (حرف جر، معادل حرف اضافه در زبان فارسی): من - فی - علی - الی
 هرگاه اسمی پس از یکی از حروف جر بیاید، مجرور به حرف جر خواهد شد
 مجرور (به حرف جر و اسم پس آن جار و مجرور گفته می‌شود)
 جار و مجرور: }
 مجرور به حرف جر { الف اسم
 (ب) ضمیر متصل

مهمترین حروف جر (جازه) عبارتند از:

فِی	در	مِن	از	عَلَى	روی، بر	إِلَى	تا، به	عَنْ	از، درباره
بِ	به کمک - از	كَمْ	مثل-مانند	لِ	برای	وَ	قسم به	حَتَّى	تا

مانند: صُمْتُ مِنَ الصَّبَاحِ إِلَى الْمَسَاءِ (از صبح تا شب روزه گرفتم)

صَعِدَ عَلَى الشَّجَرَةِ (بر بالای درخت صعود کرد)

العلم كالنور (علم مانند نور است)

نکات

- پس از حروف جر تنها اسم یا ضمیر می‌آید؛ بنابراین پس از حروف اجازه، فعل یا حرف دیگری نمی‌آید.
- ضمیری که پس از حروف جر به کار می‌رود ضمیر «متصل» است که به حرف جر متصل می‌شود و اعراب آن «مجرور به حرف جر» خواهد بود. (ضمائر مبنی هستند)؛ مانند: فیه - بگم - منهما - علیک
- حرف جر «لِ» در صورتی که پس از آن ضمیر متصل به کار رود مفتوح خواهد بود، (بجز ضمیر یاء متکلم): لَهُ - لَهُمْ - لَكُمْ - لِي
- حرف «واو» در صورتی حرف جر محسوب می‌شود که به معنی «قسم به» باشد؛ مانند: وَاللَّهِ - وَالشَّمْسِ
- «حتی» در صورتی که پس از آن فعل مضارع بیاید «ادات ناصبه» و اگر پس از آن اسم بیاید «حرف جر» است؛ مانند:
 حتی تقولوا ← مضارع منصوب حتی اللیل ← جار و مجرور

تذکره: ادرات ناصبه در عربی یازدهم تدریس خواهد شد.

۶) در صورتی که پس از حرف جر «عَنْ» اسم موصول عام (من - ما) بیاید به صورت زیر نوشته می‌شود:

عَنْ + مَا = عَمَّا عِن + مَن = عَمَّن

۷) اگر پس از حرف جر «مِن» اسم موصول عام (من - ما) بیاید به صورت زیر نوشته می‌شود:

مِن + مَن = مِمَّن مِّن + مَا = مِمَّا

۸) اگر پس از حروف جر «إِلَى» و «عَلَى» ضمیر متکلم وحده «ی» به کار رود به شکل زیر نوشته می‌شود:

إِلَى + ی = إِلَيَّ عَلَى + ی = عَلَيَّ

۹) اگر بعد از حرف جر «لِ» اسم ال دار بیاید به صورت «لِ» نوشته می‌ود: للمؤمنین

اینگاه ترجمه

الف- در زمان ترجمه و تعریب به حروف جرّ باید دقت نمود.

ب- حرف جرّ «ل» (برای) گاهی اوقات در مفهوم «مالکیت و داشتن» به کار می‌رود: لی صَدِیقٌ: دوستی دارم.

تذکره ۱: «کان + ل + اسم (ضمیر)» نیز در عربی به مفهوم «راستن» است:

کان لنا معلّم ← معلّمی داریم.

تذکره ۲: «عند» و «لاسی» نیز گاهی اوقات در اول جمله به معنی «راستن» است:

عندی صداع: سردرد دارم. لَدَيْهِمْ عِلْمٌ كَثِيرٌ: علم زیادی دارند

تذکره ۳: برای مفهوم «نداشتن» معمولاً روش‌های زیر استفاده می‌شود:

«ما کان + ل + اسم (ضمیر)» ← ما کانت للکافرین صداقة: کافران صداقت ندارند.

«لیس + ل + اسم (ضمیر)» ← لیست للطلّاب مدرسة: دانش‌آموزان مدرسه ای ندارند.

ج- حرف جرّ «علی» می‌تواند در مفهوم «باید» استفاده شود به روش‌های زیر دقت کنید:

«علی + اسم (ضمیر) + مضارع منصوب به آن»: «علیکم أن تجالسوا الأخیار» ← (شما) باید با نیکان هم نشینی کنید.

«یجب + علی + اسم (ضمیر) + مضارع منصوب به آن»: «یجب علینا أن نجتهد» ← (ما) باید تلاش کنیم.

«علی + اسم (ضمیر) + مصدر»: «علیک الدراسة» ← باید درس بخوانی.

تذکره ۱: «یجب + مضارع منصوب به آن» نیز به صورت «باید» ترجمه می‌شود:

یجب أن نعرف حقيقة الحياة ← (ما) باید حقیقت زندگی را بشناسیم.

تذکره ۲: در تمامی موارد فوق‌الذکر فعل پس از «علی» و «یجب» مضارع منفی باشد به صورت «نباید»

ترجمه می‌شود: یجب علینا أن لانخاف الأعداء ← (ما) نباید از دشمنان بترسیم.

علی التلاميذ أن لاتتکاسلوا فی دروسهم ← دانش‌آموزان نباید در درس هایشان تنبلی کنند.

نون وقایه

اگر ضمیر متکلم وحده «ی» (با نقش مفعول) به فعلی متصل شود، بین فعل و ضمیر «ن» واقع می‌شود که به آن «نون وقایه» می‌گویند.

یُکرموننی: مرا گرامی می‌دارند عَلَمَنی: مرا آموخت

تذکره: در اینج حالت استفاده از «نون وقایه» افرامی است.